

تورم، عوامل، و راهکارهای مقابله با آن در ایران

غلامرضا سرآبادانی*

چکیده

در این مقاله ابتدا به بررسی عوامل تورم در ایران پرداخته؛ سپس راهکارهای اسلامی در جهت رفع آن ارائه شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عامل اصلی تورم در ایران، ساختاری است. گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت باعث تقاضا برای محصولات غذایی و تجاری شده است. وجود محدودیت‌های بسیاری در دو بخش کشاورزی و صنعت سبب شده که تولید نتواند پاسخگوی این مازاد تقاضا باشد و در نتیجه قیمت نسبی آن‌ها افزایش یافته است. در مرحله بعد، افزایش قیمت به بخش‌های دیگر نیز سرایت کرده است. از طرفی افزایش درآمدهای نفتی و گسترش نقدینگی در اثر گسترش شبکه بانکی و تسهیلات بانکی روند افزایش قیمت‌ها را تشدید کرد. در سال‌های بعد از انقلاب نیز ایجاد وضعیت خاص سیاسی و اقتصادی و اجرای برخی سیاست‌های اقتصادی از طرف دولت بحران را پیچیده‌تر کرد. در قسمت پایانی با ارائه الگوهای اسلامی در زمینه‌های فرهنگ کار، تولید (در دو بخش صنعت و کشاورزی)، تعاون و سیاست‌های دولت (سیاست‌های مالیاتی، پولی و هزینه‌ها) راهکارهایی در جهت ایجاد تحول در بخش تولید و عرضه به منظور مهار تورم در اقتصاد ایران، پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: تورم، نرخ تورم، انواع تورم، تورم ساختاری، عوامل تورم در ایران، آثار تورم، راهکارهای مبارزه با تورم، راهکارهای اسلامی.

در تعریفی ساده، تورم عبارت است از «افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین». بر این اساس، تقسیم تورم به انواع گوناگون (ضعیف، متوسط، شدید یا افسارگسیخته) چنان‌که در ادبیات اقتصادی مطرح است، در واقع ذکر مصادیق آن است؛ و گرنه همه در ماهیت (افزایش سطح عمومی قیمت‌ها) یکسان هستند.

پدیده تورم در بیشتر کشورهای جهان، کم و بیش وجود دارد؛ اما نرخ آن، در جوامع و زمان‌های گوناگون فرق می‌کند. این پدیده در دوره‌های اخیر در کشورهای توسعه‌یافته، کمتر مشکل‌آفرین بوده؛ زیرا این کشورها گرفتار تورم شدید و مزمن نیستند؛ اما کشورهای در حال توسعه با تورم‌های شدید مواجهند که آثار منفی بسیاری مانند افزایش نابرابری در توزیع درآمد، افزایش مصرف، کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، انحراف منابع به تولید کالاها و خدمات غیرضرور، کاهش رشد اقتصادی و گسترش انواع فسادهای مالی، اداری را به‌دنبال دارد.

۱۰۴

اقتصاد اسلامی

سال شانزدهم / بهار ۱۳۸۵

در اوایل دهه ۱۹۹۰ نرخ تورم در آرژانتین ۳۳۱۴، در برزیل ۲۹۳۸ و در پرو ۷۴۸۲ درصد بوده است. در فاصله سال‌های (۱۹۸۵-۱۹۹۱) کشورهای امریکای لاتین بیشترین نرخ تورم و کشورهای صنعتی کمترین نرخ تورم را داشته‌اند

بررسی‌های انجام‌شده در مورد نرخ تورم در ۶۵ کشور جهان نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۲ متوسط نرخ تورم در این کشورها حدود ۷/۲۱ درصد بوده است. این بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهند که نرخ تورم در این سال در ایران حدود ۱۵ درصد یعنی تقریباً دو برابر نرخ متوسط تورم در کشورهای پیشین است. کمترین میزان تورم ۰/۴ درصد در ژاپن و بیشترین آن ۱۰۳ درصد در آنگولا بوده است (جمهوری اسلامی، ۸۲/۳/۲۲).

این مقاله مشتمل بر دو بخش است: بخش اول مباحث نظری تورم را بیان کرده، در بخش دوم به بررسی عوامل تورم در ایران و راهکارهای اسلامی مقابله با آن می‌پردازد.

بخش اول: ادبیات موضوع

قبل از پرداختن به اصل بحث، اشاره مختصری به ادبیات موجود در خصوص علل راهکارهای مقابله با تورم خواهیم داشت.

أ. عوامل تورم

صاحب‌نظران اقتصادی در مقام تبیین علت بروز تورم، نظریات گوناگونی به شرح ذیل ارائه کرده‌اند:

۱۰۵
۱. تورم ناشی از فشار تقاضا: وقتی تقاضای کلّ بالفعل در جامعه نسبت به عرضه کلّ در حالت اشتغال کامل، فزونی می‌یابد، سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد. علت این افزایش را باید در دو بخش واقعی و پولی اقتصاد بررسی کرد. در بخش واقعی، عواملی چون افزایش مخارج مصرف‌کننده، افزایش مخارج سرمایه‌گذاری، افزایش صادرات و کاهش واردات می‌توانند باعث افزایش تقاضا شده و یا به عبارت دیگر منحنی تقاضای کلّ را به بالا منتقل نمایند (تفضلی، ۱۳۷۶: ص ۴۴۸ و ۴۴۹).

از طرف دیگر، افزایش تقاضا می‌تواند نتیجه عامل پولی باشد. مکتب پولی می‌گوید: رابطه علی بین افزایش عرضه پول و افزایش نرخ تورم وجود دارد و این رابطه بین آن دو متناسب است؛ یعنی تغییر عرضه پول هر مقداری باشد، به همان نسبت قیمت‌ها نیز افزایش می‌یابند. افزایش حجم پول در اثر سیاست‌های نامناسب پولی انبساطی، باعث افزایش تقاضای کلّ شده و سطح عمومی قیمت‌ها را افزایش می‌دهد (گریگوری، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۱۸۹ - ۱۹۵ و ص ۲۷۴ - ۲۷۶).

۲. تورم ناشی از فشار هزینه‌ها: در این نظریه برخلاف مکتب کینز و مکتب پولی که فزونی تقاضای کلّ نسبت به عرضه کلّ در شرایط اشتغال کامل را منشأ تورم می‌دانند، افزایش هزینه تولید و انتقال منحنی عرضه کلّ، علت اصلی ترقی قیمت‌ها عنوان می‌شود. اگر دستمزدها بیش از متوسط بازدهی یا بهره‌وری کار افزایش یابد، کارفرماها برای حفظ سود خود قیمت‌ها را افزایش می‌دهند؛ زیرا کارفرما در جهت حداکثرسازی سود خود تا جایی که به استخدام نیروی کار ادامه می‌دهد که بهره‌وری یا محصول نهایی کار (MP_n) برابر دستمزد حقیقی گردد؛ یعنی:

$$MP_n = \frac{W}{P}$$

حال اگر دستمزدها در یک بخش اقتصادی خاص به دلیل فشار اتحادیه‌های کارگری به نسبتی بیش از بهره‌وری نیروی کار افزایش یابد، کارفرما مجبور است که جهت حفظ سود خود و برقراری تساوی پیشین قیمت‌ها را افزایش داده و از سطح اشتغال و تولید بکاهد و در نهایت ماریج قیمت - مزد - قیمت، صعود مستمر قیمت‌ها را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین در این شرایط و لو فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل وجود ندارد، ولی قیمت‌ها افزایش می‌یابد و افزایش قیمت باعث کاهش تقاضای کل و کاهش تولید و افزایش بیکاری خواهد شد؛ پس در این شرایط تورم همراه با رکود است. (طیبنیا، ۱۳۷۴: ص ۷۹ و ۸۰).

۳. تورم وارداتی: عامل دیگر بروز تورم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه واردات است. تورم موجود در کشورهای صادرکننده، از طریق افزایش قیمت کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و مواد اولیه که نوع این کشورها (در حال توسعه) واردکننده آن می‌باشند، به این کشورها وارد می‌شود؛ بنابراین یا از طریق شاخص کل بهای کالاهای مصرفی و یا از طریق افزایش هزینه‌های تولید باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شوند.

۴. تورم ساختاری: عامل دیگری که در اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران باعث پیدایش فشارهای تورمی می‌شود، عامل ساختاری است. فرایند صنعتی شدن و توسعه زندگی شهری، تقاضا برای محصولات کشاورزی و کالاهای تجاری را افزایش می‌دهد؛ اما به دلیل تنگناهای موجود در این بخش‌ها، امکان افزایش متناسب تولید وجود نداشته و لذا قیمت نسبی محصولات مربوطه افزایش می‌یابد. این افزایش قیمت در مرحله دوم به سایر بخش‌های اقتصادی سرایت می‌کند. افزایش ایجادشده در سطح عمومی قیمت‌ها ناشی از عوامل ساختاری، با افزایش دادن تقاضای پول و نرخ بهره، آثار نامطلوبی روی سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی خواهد داشت ضمن این‌که کاهش قدرت خرید دولت ناشی از تورم، و افزایش کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی عرضه پول را در جامعه افزایش داده و تورم را می‌افزاید. تورم ساختاری، اگر به وسیله سیاست‌های پولی دولت مقابله شود، به یک پدیده بلندمدت تبدیل خواهد شد (همان: ص ۲۲۰ و ۲۲۱). مهم‌ترین تنگناهای اقتصادی که باعث تورم ساختاری می‌شوند، عبارتند از

کشش‌ناپذیری عرضه مواد غذایی، کمبود ارز، چسبندگی در ساختار درآمدهای مالیاتی و مخارج دولت، محدودیت عرضه نهاده‌های واسطه‌ای و ناتوانی در افزایش پس‌اندازهای داخلی. خلاصه این‌که به عقیده ساختارگرایان، افزایش عرضه پول علت تشدید تورم است که ظاهرکننده چسبندگی‌های ساختاری و باعث پیدایش فشارهای تورمی است نه علت موجد تورم (همان: ص ۱۰۹).

در شرایط تورم ساختاری، سیاستی (سیاست‌های پولی و مالی انقباضی) که می‌خواهد تورم را کاهش دهد، بیکاری را افزایش داده و باعث رکود می‌شود. به عبارت دیگر، تنگناهای موجود در فرایند رشد اقتصادی گسترش یافته و مانع رشد متناسب عرضه می‌شوند. به عبارت دیگر، اجرای سیاست‌های پولی و مالی فقط رشد اقتصادی را کاهش داده و علت اصلی تورم یعنی محدودیت و کشش‌ناپذیری عرضه در بخش‌های کلیدی اقتصاد را از بین نمی‌برد. بر این اساس، راه‌حلّ مشکل تورم منحصر در دو امر، یعنی «اصلاح و تهییج تولید داخلی مواد غذایی با انجام اصلاحات ارضی و سیاست‌های تشویقی» و «عقلایی‌سازی فرایند توسعه صنعتی و تشویق صادرات» است؛ چنانچه کالدور و دیگران ارائه کرده‌اند (همان: ص ۱۰۱).

ب. روش‌های مبارزه با تورم

به‌طور کلی سه روش عمده برای مقابله با تورم در ادبیات اقتصادی مطرح است.

یک. روش مبارزه با عوامل؛

دو. روش مبارزه با آثار تورم؛

سه. روش مبارزه با خود تورم.

در مورد اول با شناسایی عوامل تورم کوشش می‌شود که آن عوامل، برطرف یا تضعیف شوند و بدین‌سان جلو گسترش تورم گرفته می‌شود. در مورد دوم نیز مدیران و سیاستگذاران با استفاده از روش‌هایی چون پرداخت یارانه‌ها، تأسیس و گسترش انواع بیمه‌ها مثل بیمه بیکاری، تأمین اجتماعی و غیره، و کمک به قشرهایی که از تورم آسیب می‌بینند، به مبارزه با آثار تورم می‌پردازند. در روش سوم، برنامه‌ها در جهت مبارزه با خود تورم است. این کار به‌طور معمول با نرخ‌گذاری روی کالاها و خدمات صورت می‌گیرد؛ اما

میزان توفیق و تاثیر و اولویت یا عدم اولویت هر یک از این سه روش به بحث بیشتری نیاز دارد؛ اگرچه به نظر می‌رسد مبارزه با عوامل تورم بر بقیه موارد اولویت دارد؛ یعنی باید الگوی توسعه به گونه‌ای باشد که شرایط را برای تحقق توسعه بدون تورم فراهم کند.

بخش دوم: تورم، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن در ایران

در مورد اقتصاد ایران چند مطلب ارائه می‌شود: ابتدا مختصری درباره فرایند شکل‌گیری تورم و پیامدهای آن بحث می‌کنیم؛ سپس در مقام تبیین عوامل تورم، نشان می‌دهیم که عوامل ساختاری، عامل اصلی ایجاد تورم در ایران بوده‌اند. در این وضعیت استفاده از سیاست‌های پولی و مالی نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه آن را تشدید می‌کند. این کار را با تحلیل آماری و بررسی برخی کارهای تجربی انجام شده که بیانگر تاثیر عوامل ساختاری و ایراد نقض به نظریه پولی بودن تورم است، اگرچه تاثیر عوامل پولی را به کلی نفی نمی‌کند، انجام خواهیم داد. حرف اصلی نظریه ساختاری این است که در ابتدا عوامل ساختاری باعث پیدایی تورم، و در ادامه نیز مانع اثرگذاری سیاست‌های پولی، مالی و درآمدی می‌شوند.

اشاره‌ای نیز به کارهایی که در صدد اثبات پولی بودن منشأ تورم در ایران هستند داشته، خواهیم گفت که چگونه در این تحقیقات، به عوامل ساختاری بی‌توجهی شده است.

۱. پیامدهای تورم در اقتصاد ایران

پیامدهای تورم در ایران بسیار گسترده است برخی از موارد مهم آن عبارتند از:

أ. اثرگذاری روی کیفیت توزیع و سطح زندگی مردم:

به‌منظور سهولت بحث، دوره زمانی را به دوره اجرای برنامه‌های توسعه یعنی سال‌های (۱۳۶۸ - ۱۳۸۳) محدود می‌کنیم. اهداف و سیاست‌های این برنامه‌ها در جهت فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت در جدول ذیل بیان شده است.

جدول (۳): اهداف و روش‌های فقرزدایی در برنامه‌های توسعه

برنامه سوم توسعه	برنامه دوم توسعه	برنامه اول توسعه
تلاش در جهت تأمین اجتماعی روش‌ها: ۱. نظام جامع تأمین اجتماعی، ۲. نظام‌های حمایتی دولت، ۳. توسعه شمول خدمات بیمه درمانی به روستائیان، سالمندان، از کار افتادگان، ۴. جبران کاهش قدرت خرید خانوارهای نیازمند، ۵. تأمین حداقل نیاز دهک اول درآمدی.	رفع تبعیض‌ها، تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی روش‌ها: ۱. توزیع بهینه امکانات و درآمدها، ۲. تأمین اجتماعی، ۳. عنایت به مناطق محروم، ۴. بهداشت عمومی، ۵. پرداخت‌های انتقالی و ...	تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی روش‌ها: ۱. تأمین تغذیه مورد نیاز، ۲. تعمیم بیمه اجتماعی، ۳. آموزش عمومی، ۴. تعیین معیار ساخت مسکن، ۵. تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم (با همان روش‌های بالا).

مأخذ: قوانین برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

جدول پیشین نشان می‌دهد که این برنامه‌ها از نظر ترسیم اهداف کلی و برخی راهکارهای عملی آن در خصوص تأمین عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد و تلاش در جهت ارتقای سطح زندگی مردم نسبتاً مناسب بوده‌اند. نکته مهم این است که چالش‌های موجود از جمله تورم شدید در هر دوره چه تاثیری بر روند تحقق این اهداف داشته است. آمارهای موجود نشان می‌دهد که:

۱. جمعیت کشور از تعداد ۴۹۴۴۵۰۱۰ تن در سال ۱۳۶۵ به ۶۰۰۵۵۴۸۸ تن در سال ۱۳۸۰ بالغ شده؛ یعنی به‌طور متوسط حدود ۲ درصد سالانه رشد داشته است. این در حالی است که برخی آمارهای غیررسمی از آن حکایت دارد که جمعیت کشور در حال حاضر حدود ۷۰ میلیون تن است؛
۲. تعداد افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی از تعداد یک میلیون و ۹۶۰ هزار تن در سال ۱۳۶۵ به ۶ میلیون و ۳۷۴ هزار تن در سال ۱۳۸۰ رسیده است.
۳. متوسط هزینه خانوار شهری از حدود ۱۳۰ هزار تومان در سال ۱۳۶۵ به حدود ۳۰۰

هزار تومان در سال ۱۳۸۰، و متوسط هزینه خانوار روستایی از حدود ۸۰ هزار تومان در سال ۱۳۶۵ به ۱۷۰ هزار تومان در سال ۱۳۸۰ بالغ شده است.

۴. متوسط درآمد خانوار شهری از حدود ۱۲۰ هزار تومان در سال ۱۳۷۶ به حدود ۲۶۰ هزار تومان در سال ۱۳۸۰، و همچنین درآمد خانوارهای روستایی از حدود ۷۵ هزار تومان در سال ۱۳۷۶ به حدود ۱۵۲ هزار تومان در سال ۱۳۸۰ رسیده است.

اطلاعات پیشین نشان می‌دهد که به‌رغم افزایش شدید جمعیت در دوره مورد بررسی، حمایت‌های دولت نتوانسته است شکاف درآمدی ایجاد شده در اثر افزایش قیمت‌ها را که پیش‌تر گذشت، جبران کند. پوشش‌ها و حمایت‌های دولت از قشرهای گوناگون مردم برای جبران شکاف درآمدی آن‌ها، باید دو جهت را شامل باشد: یکی تعداد جمعیت تحت پوشش و دیگری تمام هزینه‌های زندگی. آمار پیش‌گفته نشان می‌دهد که این کمک‌ها از هر دو جهت ناقص بوده است.

ب. آثار تورم بر تولید، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز

پیش‌تر گفتیم که تورم، نظام تولید و سرمایه‌گذاری و پس‌انداز را مختل کرده، با تغییر الگوی مصرف و تغییر جریان پس‌اندازها از کارهای مولد و تولیدی به سمت دلالی و واسطه‌گری و خرید کالاهای مصرفی بادوام، می‌شود.

براساس آمارهای موجود، سرمایه‌گذاری کل کشور طی سال‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۷۲ به قیمت ثابت ۱۳۶۱ نه‌تنها افزایش نداشته، بلکه از ۳۲۳۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ به ۲۱۳۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ یعنی سال پایانی برنامه اول کاهش یافته است. اگرچه وضعیت سیاسی و جنگی در دهه اول (۱۳۵۸ - ۱۳۶۸) چنانچه گذشت، در ایجاد جریان‌های تورمی و کاهش سرمایه‌گذاری و تولید بسیار موثر بوده‌اند، عوامل دیگری نیز در همین دوره، در این مسأله دخیل بوده‌اند به‌علاوه تورم‌های شدید در طول برنامه اول که از عملکردها و سیاست‌های دولت متاثر بوده است نیز در کاهش تولید واقعی تاثیر بسیاری داشته‌اند.

همچنین آمارها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری کل از میزان ۲۵۴۲۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ به ۳۴۸۹۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ رسیده است. ملاحظه می‌شود که اگر ارقام پیش‌گفته براساس قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱ محاسبه شوند

(مثل دوره برنامه اول) شاهد کاهش در میزان سرمایه‌گذاری خواهیم بود (سالنامه آماری، ۱۳۸۰).

ج. افزایش مفسد اداری، مالی و اجتماعی

تورم با ایجاد اختلال در نظام توزیع امکانات، فرصت‌ها و درآمدها و ایجاد رانت‌های اقتصادی برای عده‌ای خاص، زمینه بروز و تشدید مفسد مالی و مفسد اداری را فراهم می‌کند و مانع بسیار بزرگی در راه توسعه پدید خواهد آمد. این مفسد در ایران به قدری شدید و بحرانی شد که در سال‌های اخیر، مبارزه با آن، طی حکم هشت ماده‌ای رهبری معظم انقلاب الزامی شد؛ اگرچه بعد از چند سال، دولت در این زمینه اقدام جدی صورت نداده است.

۲. بررسی عوامل تورم در ایران

می‌توان به عوامل ذیل به صورت ریشه‌های اصلی تورم در ایران اشاره کرد.

أ. فشار تقاضا

رشد سریع اعتبارات جاری و عمرانی دولت همزمان با افزایش اعتبارات نظام بانکی در مدتی کوتاه تقاضای مؤثر را به شدت افزایش داد. اجرای سیاست‌های پولی انبساطی و وجود کسری‌های بالا و مداوم در بودجه دولت و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی و انتشار اسکناس، از عوامل عمده افزایش تقاضا و فشارهای تورمی بوده است. کسری بودجه گاهی در اثر فزونی هزینه‌ها بر درآمدهای دولت و نامتعادل بودن بودجه و گاهی در اثر محقق‌نشدن درآمدهای دولت در طول اجرای برنامه پدید آمده؛ اگرچه اصل بودجه (بودجه پیش‌بینی شده) متعادل بوده است.

رشد بی‌اندازه نقدینگی و هزینه‌های دولتی همراه با کشش‌ناپذیری بخش واقعی اقتصاد یعنی عرضه کل کالاها و خدمات، به دلیل تنگناهای ساختاری، باعث بروز شکاف بین تقاضای کل و عرضه کل و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده است. روند تغییرات رشد نقدینگی در طول اجرای سه برنامه توسعه در جدول ذیل آمده.

جدول (۲): روند رشد نقدینگی سال‌های (۱۳۶۸ - ۱۳۸۲)

سال	رشد نقدینگی
۱۳۶۸	۱۹,۵
۱۳۶۹	۲۲,۷
۱۳۷۰	۲۴,۶
۱۳۷۱	۲۵,۳
۱۳۷۲	۳۴,۲
۱۳۷۳	۲۸,۵
۱۳۷۴	۳۷,۶
۱۳۷۵	۳۷,۱
۱۳۷۶	۱۵,۲
۱۳۷۷	۱۹,۵
۱۳۷۸	۲۰,۲
۱۳۷۹	۲۹,۳
۱۳۸۰	۲۸,۹
۱۳۸۱	۳۰,۱
۱۳۸۲	۲۶,۱

مأخذ: رئیس دانا، ۱۳۷۹: ص ۱۰۶، و سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۰.

انعطاف‌ناپذیری در بخش عمده‌ای از بودجه از یک طرف و عملکرد غیربهبوده شرکت‌های دولتی و افزایش بی‌اندازه هزینه‌های آن‌ها و برخی بی‌انضباطی‌های دیگر مالی در بدنه دولت، یکی از عوامل افزایش بی‌حد هزینه‌های دولت و افزایش تقاضای کل بوده است.

ب. فشار هزینه (افزایش قیمت حامل‌های انرژی و برخی کالاهای اساسی)

براساس ماده (۵) قانون برنامه سوم توسعه، دولت مجاز شده است که در طول برنامه همه ساله قیمت کالاها و خدماتی را که ارائه می‌دهد به میزان ۱۰ درصد افزایش دهد؛ ولی در غالب سال‌ها این قانون رعایت نشده و در مواردی از اقلام مذکور مثل انواع سوخت (بنزین، نفت، و ...)، برق، آب، گاز و برخی مواد غذایی از جمله نان، حدود ۳۰ درصد افزایش قیمت داشته است (کیهان، ۸۲/۳/۲۵، ص ۱۴ و جمهوری اسلامی، ۸۲/۳/۲۷، ص ۱۵). این افزایش قیمت‌ها از طرفی باعث افزایش هزینه‌های دولت شده؛ زیرا دولت بزرگ‌ترین مصرف‌کننده اقلام پیش‌گفته است و پیرو آن شرکت‌های دولتی نیز محصولات خود را گران می‌کردند و به این ترتیب دور باطل افزایش قیمت ادامه می‌یابد. از طرف دیگر این امر باعث افزایش هزینه‌های تمام‌شده کالاهای تولید داخل شده و قیمت آن‌ها را

افزایش می‌دهد و بدین‌سان تورم تشدید می‌شود. همچنین سیاست پیشین، انتظارات تورمی را افزایش داده، روند تورم را باز هم تشدید می‌کند (کیهان، ۱۳۸۲/۳/۲۴، ص ۴).

ج. عامل وارداتی

یکی دیگر از عوامل افزایش قیمت‌ها در ایران در مواردی، مسأله واردات کالاهای خارجی بوده است. افزایش قیمت کالاهای مصرفی خارجی به‌طور مستقیم روی شاخص قیمت‌ها اثر گذاشته، آن را افزایش می‌دهد. جهت دیگری که واردات در تورم داخلی اثر می‌گذارد، از طریق افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای سرمایه‌ای و مواد اولیه است که باعث افزایش هزینه‌های تولید شده، قیمت تمام‌شده کالاهای مصرفی را افزایش می‌دهد (طیبنیا، ۱۳۷۴: ص ۲۰۵).

د. عوامل ساختاری

چنان‌که پیش‌تر گفتیم، عامل دیگری که در بیشتر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران باعث پیدایی فشارهای تورمی می‌شود، عامل ساختاری است. فرایند صنعتی‌شدن و توسعه زندگی شهری، تقاضا برای محصولات کشاورزی و کالاهای تجاری را افزایش می‌دهد؛ اما به‌دلیل تنگناهای موجود در این بخش‌ها، امکان افزایش متناسب تولید وجود ندارد؛ بدین‌جهت قیمت نسبی محصولات مربوطه افزایش می‌یابد.

این افزایش قیمت در مرحله دوم به سایر بخش‌های اقتصادی سرایت می‌کند. افزایش ایجاد شده در سطح عمومی قیمت‌ها ناشی از عوامل ساختاری، با افزایش دادن تقاضای پول و نرخ بهره، آثار نامطلوبی روی سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی خواهد داشت. ضمن این‌که کاهش قدرت خرید دولت ناشی از تورم، و افزایش کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی عرضه پول را در جامعه افزایش داده، فشارهای تورمی را می‌افزاید (قدیری اصل، ۱۳۷۶: ص ۶۲۶ - ۶۴۸). در واقع بخش واقعی و عرضه اقتصاد نمی‌تواند خود را با تقاضای موجود تطبیق دهد. در دهه‌های اخیر، عوامل متعددی از جمله کسش‌ناپذیری عرضه در بخش کشاورزی، ماهیت و پیامدهای راهبردی صنعتی‌شدن با تکیه بر الگوی جانشینی واردات و محدودیت‌های موجود در عرضه نهادهای تولیدی مثل نیروی کار ماهر، مواد اولیه، حمل و نقل و انرژی و محدودیت‌های موجود در تجارت خارجی (صادرات و واردات) و ...، ریشه‌های اصلی مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران بوده است

(طیبنیا، ۱۳۷۴: ص ۱۶۹).

شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد ریشه اصلی تورم در ایران عامل ساختاری است و عامل پولی چنان‌که ادعا می‌شود، به‌تنهایی نمی‌تواند تغییرات قیمت‌ها را توضیح دهد. در ادامه به تعدادی از این شواهد اشاره می‌کنیم:

أ. مواردی از نقض نظریه پولی در ایران: براساس نظریه پولی، تورم در بلندمدت معلول عدم توازن بین نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد تولید حقیقی بوده و اندازه آن به میزان تفاضل دو نرخ مذکور است. بررسی آمارهای موجود نشان می‌دهند که این اتفاق در ایران رخ نداده است.

۱. در طول دوره (۱۳۴۰ - ۱۳۵۷) نقدینگی بخش خصوصی ۴۵۰۰ درصد رشد داشته‌است؛ یعنی از ۵۶ میلیارد ریال به ۲۵۷۸ میلیارد ریال بالغ گردیده‌است؛ در حالی که در همین دوره، تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت ۶۱ تقریباً ۳۰۰ درصد رشد داشته، و از ۲۵۵۱ میلیارد به ۹۹۲۵ میلیارد ریال رسیده است.

۲. در طول دوره (۱۳۴۰ - ۱۳۷۰) یعنی یک دوره‌ای طولانی‌تر نیز رشد نقدینگی با رشد تولید ناخالص ملی مطابقت نداشته و نقدینگی بخش خصوصی ۵۱۰۲۱ درصد رشد داشته؛ در حالی که تولید ناخالص ملی فقط ۳۷۸ درصد افزایش داشته است؛ پس سطح عمومی قیمت‌ها می‌بایست ۵۰۶۴۳ درصد رشد داشته باشد؛ در حالی که بیش از ۲۵۰۰ درصد رشد نداشته‌است.

۳. طی دوره (۱۳۷۰ - ۱۳۸۲) نیز رشد نقدینگی متناسب با رشد تولید واقعی نبوده است؛ زیرا نقدینگی حدود ۱۶۰۰ درصد رشد داشته است؛ در حالی که تولید واقعی فقط حدود ۵۴ درصد رشد داشته است. و لذا سطح عمومی قیمت‌ها در حالی که می‌بایست حدود ۱۵۰۰ درصد رشد داشته باشد، فقط حدود ۹۰۰ درصد رشد داشته است (گروه کارشناسان معاونت امور اقتصادی، ۱۳۸۳: ص ۵۰، ۱۱۱ و ۱۳۴).

بررسی پیشین نشان می‌دهد که تفاضل نرخ رشد نقدینگی و تولید ملی حقیقی در دوره‌های مورد بررسی با نرخ رشد قیمت‌ها هماهنگ نبوده‌است. این نتیجه با مقایسه نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد قیمت‌ها در یک نمودار ترکیبی نیز مورد تایید قرار گرفته‌است.

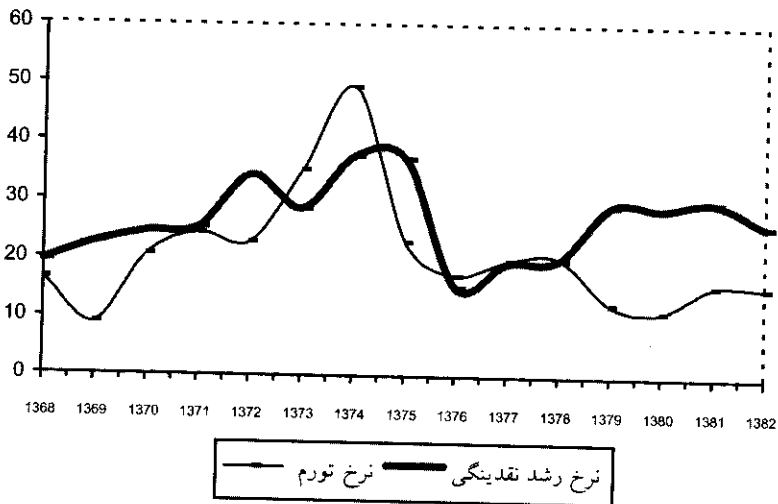
ب. مقایسه نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد قیمت‌ها: نمودار ذیل، نرخ رشد نقدینگی و

نرخ تورم را در دوره (۱۳۶۸ - ۱۳۸۳) مقایسه، و نتایج پیشین را تایید می‌کند.

جدول (۲): مقایسه نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم

سال	نرخ تورم	نرخ رشد نقدینگی
۱۳۶۸	۱۷,۴	۱۹,۵
۱۳۶۹	۹	۲۲,۷
۱۳۷۰	۲۰,۷	۲۴,۶
۱۳۷۱	۲۴,۴	۲۵,۳
۱۳۷۲	۲۲,۹	۳۴,۲
۱۳۷۳	۳۵,۲	۲۸,۵
۱۳۷۴	۴۹,۴	۳۷,۶
۱۳۷۵	۲۳	۳۷,۱
۱۳۷۶	۱۷,۳	۱۵,۲
۱۳۷۷	۲۰	۱۹,۵
۱۳۷۸	۲۰,۴	۲۰,۲
۱۳۷۹	۱۲,۶	۲۹,۳
۱۳۸۰	۱۱,۴	۲۸,۹
۱۳۸۱	۱۵,۸	۳۰,۱
۱۳۸۲	۱۵,۶	۲۶,۱
۱۳۸۳	۱۵,۲	۳۰,۲

مأخذ: رئیس دانا، ۱۳۷۹: ص ۱۰۶، و سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۰ و گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی.



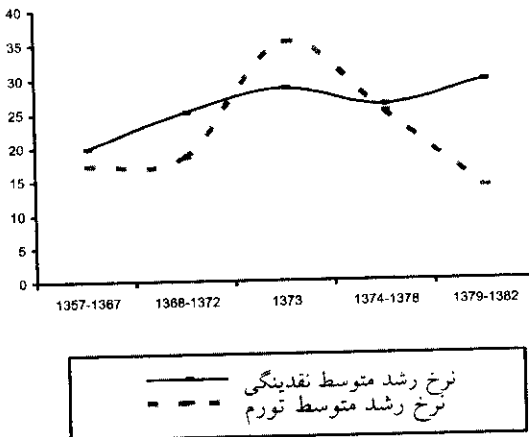
نمودار (۱): مقایسه نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم

چنان‌که ملاحظه می‌شود، تقریباً در همه سال‌ها به استثنای سال‌های ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ که این دو متغیر بسیار به هم نزدیک شده‌اند، و اتفاقاً در این سال‌ها همواره نرخ تورم به میزان ۲ تا ۲/۱ درصد بیشتر بوده‌است، نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی با هم فاصله داشته‌اند. این روند که از سال ۷۳ آغاز شده بوده، علل عمده آن کاهش درآمدهای نفتی، کاهش شدید در تولید ملی و کاهش واردات که باعث بروز و ظهور تنگناهای ساختاری که پیش‌تر بحث کردیم شده و فشار بسیاری را روی قیمت‌های داخلی وارد کرده است، با بهبود نسبی در قیمت نفت در سال‌های ۷۷ و ۷۸ نرخ تورم شروع به کاهش کرده و تاکنون همواره کمتر از نرخ رشد نقدینگی بوده است. مقایسه نرخ رشد متوسط نقدینگی و نرخ متوسط تورم در نمودار ذیل مطالب پیش‌گفته را به خوبی تایید می‌کند.

جدول (۳): مقایسه نرخ رشد متوسط نقدینگی و نرخ متوسط تورم (۱۳۵۷ - ۱۳۸۲)

سال	نرخ رشد نقدینگی	نرخ تورم
۱۳۵۷ - ۱۳۶۷	۱۹٫۸	۱۷٫۲
۱۳۶۸ - ۱۳۷۲	۲۵٫۱	۱۸٫۴
۱۳۷۳	۲۸٫۵	۳۵٫۲
۱۳۷۴ - ۱۳۷۸	۲۶	۲۵٫۱
۱۳۷۹ - ۱۳۸۲	۲۹٫۴	۱۳٫۸

نمودار (۲): مقایسه نرخ رشد متوسط نقدینگی و نرخ متوسط تورم



مأخذ: همان: ص ۱۰۶، و سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۰.

یکی دیگر از شواهدی که نتایج پیشین را تایید می‌کند، مطالعه تجربی رابطه رشد سطح عمومی قیمت‌ها با برخی متغیرهای دیگر از قبیل رشد تولید، رشد عرضه پول، رشد دستمزدها و نرخ رشد قیمت محصولات کشاورزی و ... است که ارائه تفصیلی آن در این مجال نمی‌گنجد، به مواردی از کارهای تجربی انجام شده اشاره می‌کنیم.

۳. مطالعات تجربی در اقتصاد ایران

۱۱۷
۱. برخی کارهای تجربی انجام شده منشأ ساختاری داشتن تورم را در ایران نشان می‌دهد (طیبنیا، ۱۳۷۴: ص ۱۲۴ و ۱۲۵).

۱. براساس تحقیق ۱۳۶۶ ایکانی که با استفاده از مدل هاربرگر مدل پولی خالص را در تبیین تورم در ایران تخمین می‌زند، یک درصد افزایش در حجم پول، نرخ تورم را به میزانی به مراتب کمتر افزایش می‌دهد؛ وی متغیرهای دیگری (متغیرهای ساختاری و فشار هزینه‌ها) را نیز به مدل اضافه کرد. نتیجه در این مرحله این بود که ۱۰ درصد افزایش در عرضه پول نرخ تورم را فقط به میزان یک درصد افزایش می‌دهد که به وضوح با پیش‌بینی مدل پولی در مرحله قبل متعارض است. همچنین نتایج نشان داد که ۱۰ درصد افزایش در دستمزد اسمی و قیمت نسبی مواد غذایی به ترتیب باعث افزایش نرخ تورم به میزان (۲ تا ۲٫۷) درصد و ۴٫۷ درصد می‌شوند.

۲. درات (۱۹۸۷) و لونی (۱۹۸۵) نیز تاثیر قابل توجه عوامل ساختاری در رشد سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد ایران را ثابت می‌کند؛ اگرچه لونی در انتهای کار در نتیجه آن تردید می‌کند.

۳. طیبنیا در تحقیق مفصل، نشان می‌دهد که تورم در ایران پدیده‌ای بنیانی و بادوام بوده و مظهري از عدم تعادل اقتصادی کشور است و مبارزه اصولی با تورم مستلزم تجدید نظر در الگوی توسعه اقتصادی کشور می‌باشد (طیبنیا، ۱۳۷۴: ص ۲۱۹ - ۲۵۷).

بنابراین، فروض اصلی نظریه پولی بودن تورم در ایران، یعنی رابطه متناسب رشد نقدینگی و رشد قیمت‌ها و رابطه علی بین آن دو، مورد تردید بوده و قابل اثبات نیست؛ اگرچه صرف همبستگی این دو متغیر ثابت شده است. ضمن این که برخی کارهای تجربی

انجام شده در مورد تاثیر تورم بر رشد تولید در ایران نشان می‌دهند که تورم، اثرات منفی بر رشد اقتصادی داشته و نسبت به عوامل دیگر بیشترین سهم را در ایجاد نوسانات رشد اقتصادی داشته است؛ بنابراین، این نظریه که تورم، باعث افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می‌شود، بنابراین خود می‌تواند باعث گسترش عدالت شود، یعنی اصل مبادله بین تورم و بیکاری (براساس نظریه فیلیپس) نیز در اقتصاد ایران مورد سوال و تردید است (مجله بانک و اقتصاد: ش ۲۰، ص ۵۶).

۴. راهکارهای مبارزه با تورم در ایران

سه روش کلی و اصلی برای مقابله با تورم مرسوم است: ۱. اتخاذ سیاست‌هایی در جهت مقابله با عوامل و ریشه‌های گوناگون تورم؛ ۲. اتخاذ سیاست‌هایی به منظور مقابله با خود تورم؛ ۳. پی‌گیری سیاست‌ها و راهبردهایی برای مبارزه با آثار تورم.

بسته به وضعیت حاکم بر جامعه و اقتصاد و براساس عوامل ایجاد تورم می‌توان از روش‌های متناسب استفاده کرد. در بررسی و ریشه‌یابی تورم در ایران گفتیم که عامل اصلی تورم، عامل ساختاری است و عامل پولی یعنی رشد نقدینگی (متاثر از سیاست‌های دولت) از عوامل تشدیدکننده جریان تورمی در ایران بوده است؛ اما تاثیر عوامل وارداتی و روانی نیز در تشدید تورم انکارناپذیر است.

اقتصاد ایران براساس آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده، اسلامی و باید مطابق احکام و ارزش‌های اسلامی باشد. اصل چهارم قانون اساسی می‌گوید:

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق و عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است (قوانین حقوقی، ۱۳۸۱: ص ۲۷)؛

بنابراین، مدیران و سیاست‌گذاران و محققان و اهل فن باید تلاش‌های خود برای اصلاح اقتصاد را در چارچوب پیشین قرار دهند. اکنون که دولت جدید با اهداف عدالت خواهانه و گرایش به ارزش‌ها و اهداف اسلامی آغاز به کار کرده، توجه به این امر بسیار با اهمیت است. همان‌گونه که منطق عقلی و اصل اولی حکم می‌کند، بهترین روش برای مقابله با پدیده

تورم، مبارزه با عوامل آن است؛ زیرا وقتی علت برطرف شد، معلول نیز مرتفع می‌شود؛ در حالی که دو روش دیگر قادر نیستند اصل مشکل را برطرف سازند.

بررسی تاریخی رویدادهای اقتصادی در صدر اسلام نشان می‌دهد که قیمت‌ها تغییرات فراوانی داشته و در اثر عوامل متعددی چون حوادث طبیعی (از جمله خشکسالی)، احتکار و ... افزایش می‌یافته است؛ ولی پیامبر ﷺ، هیچ‌گاه برای مقابله با تورم از روش قیمت‌گذاری (مبارزه با خود تورم) یا کمک‌های یارانه‌ای با عنوان تقلیل آثار تورم، استفاده نکردند و سیاست‌های اقتصادی‌اش برای کمک به فقیران، نوعاً سیاست‌های توزیعی و در جهت اصلاح نظام توزیع ثروت و درآمد در جامعه بوده است.

چنان‌که پیش‌تر گذشت، برای مقابله با تورم ساختاری دو نوع سیاست باید اجرا شود: یکی ایجاد تحرک در زمینه تولید مواد غذایی، و دیگری عقلایی‌سازی فرایند صنعتی‌شدن؛ البته باید توجه داشت که رفع موانع ساختاری از اقتصاد ایران، به‌تنهایی ممکن است نتواند مشکل تورم را برطرف کند؛ زیرا برخی عوامل دیگر از جمله رشد نامناسب نقدینگی، با فرض عدم وجود مشکلات ساختاری، باز ممکن است باعث تورم شود؛ بنابراین اجرای سیاست‌های برطرف‌کننده مشکلات ساختاری باید همراه با اجرای سیاست‌های مناسب پولی باشد.

با توجه به مطالب گذشته، سیاست‌های پیشنهادی که به‌طور عمده متوجه اصلاح ساختار اقتصاد در بخش‌های گوناگون است، عبارتند از:

۱. تلاش در جهت تحقق آموزه‌های اقتصاد اسلامی

در دولت اسلامی تمام نظام‌ها و خرده نظام‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باید مطابق با مبانی و آموزه‌های اسلامی باشد و اصولاً مهم‌ترین مانع رشد اقتصاد در ابعاد گوناگون آن، محقق‌نشدن رهنمودهای دین اسلام است.

أ. رفع زمینه‌های گناه: گناهان، جلو رحمت خداوند را گرفته، مانع پیشرفت می‌شوند. در

قرآن کریم در آیات متعددی از جمله (آیه ۹۶ آل عمران) به این مسأله مهم اشاره کرده است:
و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم.

همچنین قرآن کریم در آیه دیگری می‌فرماید:

[ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و تبهکارانه روی بر مگردانید] (هود (۱۱)، (۵۲)).

از جمله اقدام‌هایی که در یک دوره بلندمدت باید اجرا شود، این است که باید زمینه‌های انجام گناه را در جامعه از بین برد یا آن را به شدت کاهش داد. یکی از گناهی که مانع پیشرفت و باعث نابودی جامعه و افراد آن می‌شود، رباخواری است. در بساری از مؤسسه‌های بانکی به راحتی عملیات رباخواری انجام می‌گیرد. تبعیض‌ها و نظام غلط بانکی باعث ایجاد بازار آزاد و غیررسمی پول که رباخواری و ربادهی در آن شایع شده است.

ب. مبارزه با مفاسد اداری و مالی: یکی دیگری از عواملی که عدالت اقتصادی را به خطر انداخته، باعث اتلاف منابع انسانی و مادی می‌شود مفاسد مالی و اداری است. این مشکل در اقتصاد ایران بسیار جدی بوده و یک مبارزه جدی را نیز می‌طلبد. رشوه‌خواری و سوءاستفاده از بیت‌المال از جمله مفاسد مالی است که سیستم نادرست اقتصاد به علت توزیع نامناسب درآمدها و امکانات و فرصت‌ها و وجود رانت‌خواری‌های شدید، باعث ایجاد آن شده است (سرآبادانی، ۱۳۸۴: ص ۳۶۷ - ۳۸۸؛ حشمتی‌مولایی، ۱۳۸۰: ص ۲۴۹ - ۲۹۵). امیرالمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

[شما قیدوبند اسلام را قطع، حدود آن را تعطیل و احکام آن را به دست نابودی سپرده‌اید. بدانید که خداوند مرا به نبرد با سرکشان، پیمان شکنان و کسانی که فساد را روی زمین به راه می‌اندازند، فرمان داده است] (رضی، ۱۳۶۹: خ ۱۹۲، ص ۱۱۲).

در سطح بین‌المللی نیز از سوی سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی استراتژی‌ها و راهکارهایی در جهت مبارزه با انواع مفاسد مالی ارائه شده است (فرزین‌وش و ندری، ۱۳۸۲: ص ۲۶۵ - ۲۸۲).

ج. اجرای عدالت: تحقق عدالت آمادگی لازم برای پذیرش امور اخلاقی و عمل به آن‌ها را در انسان ایجاد می‌کند. وقتی حقوق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مردم تأمین نمی‌شود نمی‌توان از آن‌ها توقع داشت که کم‌کاری، ارتشا، اختلاس و غیره را پیشه نکنند یا در مصرف منابع، منافع اجتماعی را مدنظر داشته باشند. تجربه نشان می‌دهد تا زمانی که بعد

اخلاقی در امر تأمین منفعت شخصی گنجانده نشده باشد به گونه‌ای که در صورت تعارض میان منفعت شخصی و اجتماعی، منفعت اجتماعی به خطر نیفتد، هرگز نمی‌توان افراد را به گونه‌ای برانگیخت که هم کارا باشند و هم عادلانه رفتار کنند و این بعد اخلاقی پدید نمی‌آید، مگر با اجرای عدالت. چنانچه در روایت وارد است که «العدل يصلح البریه» یا «الرعیة لا يصلحها الا العدل»؛ یعنی فقط عدل است که مردم و زندگیشان را اصلاح می‌کند (حکیمی، ۱۳۷۰: ج ۶، ص ۳۲۶ - ۳۵۴).

۱۲۱ پیوند اخلاق و عدالت دو سوبه است، یعنی اگرچه در ابتدا تحقق عدالت زمینه پذیرش عملی اخلاق و رفتارهای اخلاقی به‌ویژه در فعالیت‌های اقتصادی است، بعد از تقویت بعد اخلاقی و نهادینه‌شدن رفتارهای اخلاقی، عدالت و رفتارهای عادلانه نیز تقویت می‌شوند؛ بنابراین در وضعی که در جامعه اسلامی مثل ایران، نیروی اخلاق در اثر بی‌عدالتی‌های اقتصادی - اجتماعی و عوامل دیگر سست شده، کوشش در جهت افزایش خودآگاهی و بیدارشدن فطرت دینی مردم از طریق تبلیغات و موعظه کافی نیست؛ پس ضرورت دارد که ابتدا بی‌عدالتی‌ها از بین برود و از طریق اصلاحات ساختاری در اقتصاد و حتی در حوزه مسائل اجتماعی عدالت نهادینه و تثبیت شود (چپرا، ۱۳۸۳: ص ۱۵۷ و ۱۵۸).

با تحقق عدالت، بخشی از مشکلات ساختاری و عدم تعادل‌ها، یعنی عدم تعادل در توزیع درآمد و ثروت بین طبقات گوناگون جامعه برطرف می‌شود. عدالت، زمینه‌گرایش مردم به اخلاق مذهبی به‌ویژه اخلاق کار و تلاش و امانتداری، احترام به حقوق دیگران و ایثار و فداکاری را در مردم تقویت می‌کند. تقویت اخلاق اسلامی استفاده بهینه از منابع، امکانات، و افزایش بازده منابع و عوامل تولید را در پی داشته و جنبه‌ای دیگر از مشکلات ساختاری را برطرف کرده و شرایط رشد اقتصادی بدون تورم را مهیا می‌کند.

۲. اصلاح ساختار تولید

به‌منظور اصلاح ساختار اقتصاد و ایجاد تحرک در بخش تولید، تنگناهای موجود در تولید و عرضه کالاها و خدمات را باید برطرف کرد. برخی از راهکارهای اسلامی در جهت تحقق این هدف عبارتند از:

یک. اصلاح بخش کشاورزی: اگرچه ایران کشوری نیمه خشک و کم‌بازار به‌شمار

می‌رود، با اصلاح نظام تولید و استفاده از دانش روز می‌توان ارزش افزوده این بخش را بالا برد و سطح تولید را افزایش داد. رفع کمبود عرضه در این بخش می‌تواند مانع افزایش قیمت‌های نسبی در این بخش شود. بدین منظور، اصلاحات ذیل پیشنهاد می‌شود (کھف، ۱۳۸۴: ص ۱۵۵):

۱. اصلاح زمین‌های کشاورزی: تسطیح و یکپارچه‌سازی زمین‌ها و افزایش سطح زیرکشت،

امکان مکانیزه کردن کشاورزی، و میزان تولید در واحد سطح را افزایش خواهد داد.

۲. اصلاح روش‌های کشت و داشت و برداشت و اصلاح بذر نیز امکان افزایش تولید در

واحد سطح و در نتیجه بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در این بخش را افزایش می‌دهد.

۳. ایجاد واحدهای صنعتی کوچک تبدیلی: به راحتی می‌توان این واحدها را به لحاظ

کوچک بودن و نیاز به سرمایه کمتر، در روستاها تاسیس کرد. این اقدام می‌تواند نتایج

ذیل را داشته باشد:

أ. افراد بی‌کار را به کار گرفته، برای افراد دارای درآمد کم، درآمد بیشتر ایجاد می‌کند.

ب. این واحدهای صنعتی اگر در جهت فعالیت‌های کشاورزی (صنایع تبدیلی) باشد،

ارزش افزوده محصولات کشاورزی را افزایش داده، تولید محصولات این بخش را نیز

افزایش خواهد داد.

ج. ایجاد امکانات کار و زندگی در روستاها مانع مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود

و بسیاری از مشکلات شهری نیز مرتفع خواهد شد.

۴. استفاده از اهرم‌های تشویقی می‌تواند تاثیر بسیاری در افزایش محصولات کشاورزی

داشته باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از ورود به مدینه، در یک اقدام اساسی، مهاجران را در کار

کشاورزی و دامداری و حتی خانه، با انصار شریک ساخت (همان: ص ۱۴۰).

توجه به بخش کشاورزی افزون بر این که کمبود عرضه محصولات این بخش یکی از

منابع اصلی تورم است، از جهات دیگری نیز دارای اهمیت است.

أ. براساس واپسین آمارگیری کشوری (۱۳۷۵) هنوز هم بخش بزرگی از جمعیت کشور

(بیش از ۲۳ درصد) در روستاها زندگی می‌کنند که همه کشاورز هستند و با اصلاح ساختار

کشاورزی و افزایش تولید محصولات کشاورزی، دگرگونی بزرگی در زندگی آن‌ها نیز

پدید خواهد آمد و این امر با هدف عدالت اقتصادی اسلام نیز همساز بوده، باعث تحقق عدالت می‌شود.

ب. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که آغاز اولیه توسعه از بخش کشاورزی بوده است. افزایش بازده تولید از طریق به‌کارگیری فن‌آوری پیشرفته در بخش کشاورزی دو اثر عمده دارد: یکی ایجاد مازاد در عرضه محصولات این بخش و دیگری ایجاد مازاد در عرضه نیروی کار در این بخش و سرریز شدن این مازادها به بخش‌های دیگر از جمله صنعت باعث تحول در این بخش‌ها نیز شده است. سیره عملی پیامبر ﷺ و علی ﷓ نیز نشان می‌دهد که توجه خاصی به کشاورزی داشته‌اند. حضرت علی ﷓ خود چاه حفر می‌کرد؛ نخلستان پدید می‌آورد و وقف فقیران می‌کرد (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۳۰۳).

۱۲۳

اقتصاد اسلام

تورم، عوامل، و راهکارهای مقابله با آن در ایران

دو. اصلاح بخش صنعت: توجه به بخش کشاورزی به معنای بی‌توجهی به صنعت نیست؛ بلکه افزون بر راهکارهای ارائه شده که باعث تحول در تولید صنعتی نیز می‌شود، باید از راهکارهای دیگری که هزینه‌های تمام‌شده محصولات صنعتی را کاهش دهد نیز استفاده کرد. یکی از فعالیت‌هایی که امام صادق ﷓ مسلمانان را به آن دعوت می‌کند، صنعت است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ص ۸۳).

سه. اصلاح قوانین و مقررات: اصلاح قوانین باید در همه حوزه‌های مرتبط با تولید صورت گیرد. یکی از موارد مهم این قوانین، قوانین مربوط به مالکیت و حقوق آن و ایجاد امنیت در سرمایه‌گذاری است. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:
المومن حرام کله، عرضه، دمه و ماله.

مومن از همه جهات یعنی آبرو و خون و مال، محترم است (همان: ج ۷۴، ص ۱۶۰).
براساس این روایت، اموال و املاک مؤمن به مثابه خون او (جانش) محترم و با ارزش است.

۳. اصلاح الگوی مصرف

اسلام تاکید فراوانی بر درست مصرف‌کردن داشته، با دستورهای خود از ضایع شدن و دورریختن کالاهای تولیدشده منع کرده است. طبیعی است که درست مصرف‌کردن و کاهش سطح فعلی مصرف، شرایط را برای افزایش صادرات فراهم خواهد ساخت. ضمن این‌که کاهش مصرف، روند فزاینده تقاضا و نیز تورم را کاهش خواهد داد. باید جلو

مصارف تجملی و اسراف را چه در مراکز دولتی و چه در بخش خصوصی گرفت. باید اخلاق درست مصرف کردن را به مردم آموخت.

دولتیان باید خود الگوی ساده‌زیستی، کار و تلاش و تولید باشند. باید جلو تبلیغات مصرف‌گرایی به‌ویژه مصارف تجملی و غیر ضرور در صدا و سیما را گرفت. باید با افزایش کیفیت تولیدات داخلی، مردم را به مصرف کالاهای داخلی به‌جای کالاهای خارجی، تشویق کرد. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

... بخورید و بیاشامید؛ ولی زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد (اعراف (۷)، (۳۱)).

اسراف آن است که فرد بیش از میزان متعارف و میزانی که متوسط جامعه مصرف می‌کنند، مصرف کند. بخش عمده مصرف نیز مربوط به خود دولت است که چنان‌که خواهد آمد، کوچک‌شدن دولت، آن را نیز کاهش خواهد داد. در جهان‌بینی اسلامی مصرف به انگیزه‌هایی چون تفاخر، خودنمایی و رقابت و همچشمی با دیگران، ممنوع شده است. چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

من لبس ثوبا فاخ탈 فیه، خسف الله به من شفیر جهنم و کان قرین قارون.

هرکس لباس بپوشد و در آن اظهار بزرگی کند، خداوند به وسیله آن او را از لب دوزخ فرو می‌کشد و او همراه قارون خواهد بود (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۲: ص ۳۷۵).

۴. اصلاح سیاست‌های دولت

اکنون به تعدادی از سیاست‌های دولت که به‌منظور جلوگیری از تورم باید اصلاح شوند، اشاره می‌کنیم. تقریباً حدود ۸۰ درصد بودجه دولت را هزینه‌های جاری آن تشکیل می‌دهد. به‌طور جدی باید این هزینه‌ها کاهش یابند؛ زیرا این هزینه‌های فراوان دولت که بسیاری از آن‌ها غیر ضرور است، عامل اصلی ایجاد کسری بودجه بوده و هست. در زمینه سرمایه‌گذاری نیز با روش‌های عاقلانه و اقتصادی، بخش خصوصی را وارد عمل کرده، از طریق تعاونی‌ها - چنان‌که گذشت - کارها را با مشارکت مردم انجام داد.

یک اصلاح نظام مالیاتی: هر نظام مالیاتی برای موفق‌بودن باید چند اصل کلی و اساسی را دارا باشد. چهار اصل مهم آن عبارتند از ساده‌بودن، کم هزینه‌بودن (جمع‌آوری آن پرهزینه نباشد)، عادلانه‌بودن و کارآمدبودن (سیدنورانی، ۱۳۸۲: ص ۵۴۴).

دو. اصلاح سیاست‌های پولی: پیش‌تر گفتیم که رشد بی‌اندازه نقدینگی نیز در تشدید روند تورم تاثیر بسیاری داشته است؛ پس باید سیاست‌های دولت در جهتی باشد که نقدینگی را افزایش ندهد. اگر بانک‌ها براساس قانون بانکداری اسلامی که اساس آن بر مبنای مشارکت است، عمل کنند و پول نقد به صورت وام و قرض‌های با بهره به دست مردم ندهند، سرمایه‌های نقدی به صورت مستقیم وارد تولید می‌شود و آثار تورمی آن بسیار کمتر خواهد بود. سه. اصلاح هزینه‌ها: در جهت کاهش هزینه‌ها باید رفت به سوی دولت نظارت‌گر و حمایت‌گر نه دولتی که اداره غالب امور را خود برعهده داشته باشد. در این صورت، بسیاری از هزینه‌های دولت کم خواهد شد.

۱۲۵

اقتصاد اسلام

تورم، عوامل، و راهکارهای مقابله با آن در ایران

۵. گسترش تعاونی‌ها: تعاونی‌ها یکی از بهترین روش‌هایی هستند که تولید را افزایش داده و عدالت را گسترانیده، مانع افزایش قیمت‌ها می‌شوند. مشارکت عمومی از طریق تعاونی‌ها گسترش یافته و همه افرادی که سرمایه کم دارند می‌توانند در تولید مشارکت کنند. تعاونی‌ها قادرند بخش بزرگی از کارهایی را که هم اکنون دولت انجام می‌دهد، بر عهده بگیرند و در این صورت دولت نیز کوچک‌تر خواهد شد. اسلام سفارش بسیاری در مورد تعاون و همیاری کرده، و شکل تعاونی‌های امروزی در زمینه تولید و مصرف نیز اجمالاً مورد تایید اسلام است؛ یعنی در واقع روش تعاونی از دو جهت مورد تایید اسلام قرار گرفته: ا. مبانی اخلاقی و اعتقادی رویکرد تعاونی مورد تاکید قرار گرفته و اساساً رویکرد تعاون یکی از عوامل اساسی پیروزی و تداوم حیات اسلام بوده است؛ ب. از نظر فقهی نیز فعالیت تعاونی با حفظ برخی شرایط مورد تایید است (سرآبادانی، ۱۳۸۳: ص ۱۰۵ - ۱۲۵)؛ بنابراین، یکی از بهترین اقدام‌های اصلاحی، گسترش نظام تعاونی است. تعاونی‌ها هم در بخش کشاورزی و هم در بخش صنعت قابل اجرا است. در برنامه‌های دولت جدید اقبال به بخش تعاون بیشتر شده است.

نتیجه

بررسی انجام‌شده در این مقاله در خصوص ریشه‌های تورم و روش اسلامی مبارزه با آن نشان می‌دهد:

۱. تورم در ایران ناشی از عوامل ساختاری است. فرایند صنعتی‌شدن و توسعه زندگی

- شهری، تقاضا برای محصولات کشاورزی و کالاهای تجاری را افزایش می‌دهد؛ اما به دلیل تنگناهای موجود در این بخش‌ها، امکان افزایش متناسب تولید وجود ندارد؛
۲. کاهش قدرت خرید دولت ناشی از تورم، و افزایش کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی عرضه پول را در جامعه افزایش داده، فشارهای تورمی را می‌افزاید.
۳. در دهه‌های اخیر عوامل متعددی از جمله کسش‌ناپذیری عرضه در بخش کشاورزی، ماهیت و پیامدهای راهبردی صنعتی‌شدن با تکیه بر الگوی جان‌شینی واردات و محدودیت‌های موجود در عرضه نهادهای تولیدی مثل نیروی کار ماهر، مواد اولیه، حمل و نقل و انرژی و محدودیت‌های موجود در تجارت خارجی (صادرات و واردات) و ...، ریشه‌های اصلی مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران بوده است که زمینه‌های محدودشدن عرضه در بخش‌های کلیدی اقتصاد (کشاورزی و صنعت) را فراهم کرده است.
۴. از طرفی افزایش هزینه‌های مصرفی و مخارج سرمایه‌گذاری ناشی از درآمدهای نفتی سرازیرشده به کشور و رشد نا متناسب نقدینگی باعث افزایش شدید تقاضا شده، فشارهای تورمی را تشدید کرد. افزایش بی‌اندازه دستمزدها و افزایش قیمت کالاهای واردات نیز در تشدید روند پیش‌گفته موثر بوده‌اند.
۵. توجه به مبانی اسلامی در زمینه‌های عدالت، اخلاق اسلامی کار و تولید می‌تواند فرهنگ کار و تولید را در جامعه تقویت کند.
۶. اجرای الگوی مصرف اسلامی و جلوگیری از اسراف و کاستن از حد فعلی مصرف می‌تواند بخشی از شدت تقاضا را کاهش دهد.
۷. گسترش تعاونی‌ها می‌تواند زمینه افزایش روحیه کار و تلاش و خلاقیت را در افراد پدید آورد. تعاونی‌های هزینه‌های حمل‌ونقل، واسطه‌گری تولید را کاهش داده، مشارکت عموم مردم در تولید را افزایش داده و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد.
۸. اصلاح ساختار کشاورزی در زمینه کشت و داشت و برداشت، اصلاح زمین‌های کشاورزی، ایجاد درآمد بیشتر برای روستاییان با احداث واحدهای کوچک صنعتی مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی و برخی اقدام‌های تشویقی و تأمینی می‌تواند با افزایش تولیدات کشاورزی مانع مهاجرت روستاییان به شهرها نیز بشود.
۹. در بخش صنعت نیز باید در جهت بومی‌کردن صنایع مونتاژ کوشش جدی صورت گیرد. با کاهش هزینه‌ها می‌توان رقابت این بخش را در بازار بین‌المللی افزایش داد.

۱۰. حرکت در جهت کوچک کردن دولت افزون بر کاهش هزینه‌های دولت، بخش بزرگی از مصارف دولتی که با ریخت و پاش بیشتری نیز همراه است، حذف شده و مقداری از سطح بالای مصرف کاسته خواهد شد.
۱۱. اصلاح سیاست‌های پولی دولت و اجرای هرچه بیشتر بانکداری اسلامی که بر مبنای مشارکت پایه‌ریزی شده می‌تواند از شدت رشد نقدینگی بکاهد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. تفضلی، فریدون، *اقتصاد کلان*، بی‌جا، نشر نی، ۱۳۷۶ ش.
۲. چپرا، محمد عمر، *اسلام و توسعه اقتصادی*، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۳ ش.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۳ ق، ج ۳.
۴. حشمتی‌مولایی، حسین، «بازارهای مالی اسلامی در فرآیند جهانی شدن»، مجموعه مقالات دومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰ ش.
۵. حکیمی، محمدرضا، *الحیة*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش، ج ۶.
۶. رئیس‌دانا، فریبرز، *فقر در ایران*، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹ ش.
۷. رضی، الشریف، *نهج البلاغه*، محمد دشتی، قم، نشر امام علی علیه السلام، ۱۳۶۹ ش.
۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۳/۲۲ ش.
۹. روزنامه کیهان، ۸۲/۳/۲۵.
۱۰. سالنامه آماری، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. سرآبادانی، غلام‌رضا، «اقتصاد تعاونی در اسلام»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۴، تابستان ۱۳۸۳ ش.
۱۲. _____، «چالش‌های اخلاقی (فساد مالی) در نظام اداری و سیاسی کشور»، مجموعه مقالات چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۴ ش.

۱۳. سیدنورانی، سیدمحمدرضا، «بررسی مالیات‌های ثابت و متغیر از جنبه عدالت در جامعه اسلامی»، مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲ش.
۱۴. صدر، سیدمحمدباقر، «ویژگی‌های اقتصاد اسلامی، بی‌جا، انتشارات هادی، بی‌تا.
۱۵. صرامی، حسین، «مباحثی پیرامون فقرزدایی و توانمندسازی فقیران»، مجله تعاون، ش ۱۶۲، ۱۳۸۳ش.
۱۶. طبیب‌نیا، علی، «فرایند تورم در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش.
۱۷. فرزین‌وش، اسدالله و ندری، کامران، «مفهوم بهره در نظریات اقتصادی متفکرین مسلمان»، مجموعه مقالات دومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰ش.
۱۸. قدیری اصل، باقر، پول و بانک، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
۱۹. قوانین برنامه‌های اول و دوم و سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران.
۲۰. قوانین حقوقی، نشرمهاجر، ۱۳۸۱ش.
۲۱. کهنف، منذر، «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی»، سعید و محمدعلی فراهانی‌فرد، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۴ش.
۲۲. گروه کارشناسان معاونت امور اقتصادی، ربع قرن نشیب و فراز، تهران، وزارت اقتصاد و دارایی، اول، ۱۳۸۳ش.
۲۳. گروهی از نویسندگان، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲ش.
۲۴. گریگوری، منکیو، اقتصاد کلان، حمیدرضا برادران شرکاء و علی پارساییان، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۵ش، ج ۱.
۲۵. گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴ش.
۲۶. گزارش ریشه‌یابی تورم در ایران، بانک مرکزی، ۱۳۶۰ش.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱.
۲۸. مجله بانک و اقتصاد، ش ۲۰.
۲۹. نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی سال‌های مختلف.